

دوتا ۳۳۲	عهدعتیق / ۲۷
	ارمیا - بخش اول
T = معلم ۱ (تدریس توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. هنگامی که به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. امروز به معرفی کتاب ارمیا - بخش اول، خواهیم پرداخت. در این برنامه، تاریخچه ای از روزگار ارمیا را از نظر خواهیم گذراند و نبوت‌های او را به ترتیب زمانی خلاصه‌وار بررسی خواهیم کرد.

### نکته ۱ - تاریخچه ای از روزگار ارمیا و نبوت‌های او به ترتیب زمانی

کتاب ارمیا آمیخته‌ای است از تاریخ، زندگی‌نامه و نبوت. در نگارش کتاب ارمیا، ترتیب زمانی رعایت نشده است زیرا این کتاب طی مدت زمانی دراز به نگارش درآمده و حداقل چهار بار ویرایش شده است. کتاب ارمیا از لحاظ تاریخی عمدتاً مربوط به دورانی است که در آن پادشاهان یهودا خود را با امپراتوری بابل که مدام بر قدرت و نفوذش افزوده می‌شد، مواجه می‌دیدند. ارمیای نبی نبوت‌های خود را در دوران سلطنت یوشیای پادشاه در سال ۶۲۷ قبل از میلاد آغاز کرد، و تا مدت‌ها پس از سقوط اورشلیم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد همچنان نبوت می‌کرد. نبوت‌های ارمیا را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد:

#### دوره اول نبوت ارمیا: از ۶۲۷ تا ۶۲۲ قبل از میلاد

فصلهای ۱ - ۳، ۷ و ۱۰ - ۱۱ از کتاب ارمیا کمابیش به نخستین دوران نبوت‌های ارمیا مربوط می‌شوند. (در سال ۵۶۸ قبل از میلاد، فصل ۱: ۱ - ۳؛ در سال ۶۲۷ قبل از میلاد، فصل ۱: ۴ - ۱۹؛ در سالهای ۶۲۷ تا ۶۲۲ قبل از میلاد، فصل ۲: ۱ تا ۳: ۵، ۳: ۶ تا ۴: ۷، ۲۰ - ۱۶: ۷، ۳۰ تا ۸: ۳، ۱۰: ۱ - ۱۶؛ در سال ۶۲۲ قبل از میلاد، فصل ۱: ۱ - ۵).

این قسمت‌ها را در کنار تاریخ یوشیای پادشاه و اصلاحات او مطالعه فرمایید. یوشیای پادشاه از ۶۳۹ تا ۶۰۸ قبل از میلاد سلطنت کرد. او آنچه را که در نظر خداوند درست بود انجام داد، از نمونه جدش داود پیروی کرد، و بطرف راست یا چپ منحرف نشد (دوم تواریخ ۳۴: ۱ - ۲). یوشیا پادشاهی خداترس بود و دست به اصلاحات عظیمی زد. اصلاحات دینی و اخلاقی او را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

**مرحله اول:** از ۶۳۲ تا ۶۲۸ قبل از میلاد. یوشیای پادشاه در زمانی که هنوز جوانی شانزده ساله بود (۶۳۲ قبل از میلاد) به پیروی از خدای جدش داود پرداخت (دوم تواریخ ۳۴: ۳). به عبارت دیگر، او شخصاً به آیین‌های مذهبی فاسد و بت‌پرستانه دو پادشاه پیش از خود پشت کرد. مرگ آشوربانیپال پادشاه آشور در حدود سال ۶۳۲ قبل از میلاد به ما کمک می‌کند بفهمیم که چطور که این جوان شانزده ساله توانست با موفقیت از پرستش خدایان آشور سر باز زند و بدین ترتیب در برابر قدرت برتر آشور بایستد.

**مرحله دوم:** از ۶۲۸ تا ۶۲۲ قبل از میلاد. وقتی یوشیا بیست ساله شد (۶۲۸ قبل از میلاد)، دامنه اصلاحات خود را به اورشلیم و سرانجام به سراسر یهودا و حتی به سرزمین‌هایی که زمانی پادشاهی شمالی اسرائیل بود، گسترش داد. دعوت ارمیای نبی در سیزدهمین سال سلطنت یوشیای پادشاه، یعنی در سال ۶۲۷ قبل از میلاد، و نبوت‌های آتشین او برضد بت‌پرستی شرم‌آوری که در اورشلیم و یهودا رواج داشت (۱: ۴ تا ۴: ۲)، به احتمال زیاد نیرومندترین عاملی بود که سبب شد یوشیا با شدت هر چه تمام‌تر در صدد ریشه‌کن ساختن بت‌پرستی برآید. در دوم پادشاهان ۲۳: ۴ - ۲۰ و دوم تواریخ ۳۴: ۳ - ۷ می‌خوانیم که چطور یوشیا معضل بت‌پرستی را بتدریج ریشه‌کن ساخت: او نخست ظروفی را که برای پرستش بت‌ها و آفتاب و ماه و ستارگان بکار می‌رفت از خانه خداوند پاکسازی کرد و بدین ترتیب به پرستش رسمی بت‌ها در خانه خداوند پایان داد. او دقیقاً همین کار را در یهودا نیز تکرار کرد. نخست فقط کاهنان بت‌پرست بیگانه را برکنار کرد و تنها مدت‌ها بعد بود که کاهنان لاوی را آورد تا مکانهای بلند مخصوص پرستش بت‌ها را که کاهنان در آن بخور می‌سوزاندند، نجس سازند. یوشیا تنها پس از برکنار ساختن کاهنان بت‌پرست، به نابودی بت‌ها پرداخت. او بت‌های مهم اقوام مجاور، از جمله بت‌های مملکت آشور را که بر یهودا و اورشلیم سلطه داشت، از بین برد. یوشیا در اورشلیم، قربانگاه "توفت" را که مردم بر آن پسران و دختران خود را برای بت مولک قربانی می‌کردند ویران ساخت. این بت هولناک، نشانه وفاداری به آشور بود. یوشیا همچنین اسب‌هایی را که در پرستش شمش، بت آفتاب بکار می‌رفتند از خانه خدا بیرون راند و عرابه‌های آن را سوزاند. این اسب و عرابه‌ها در محوطه خانه خدا یا در اطراف آن نگهداری می‌شدند. او همچنین سایر قربانگاه‌هایی را که بر پشت‌بام و در داخل خانه خداوند در اورشلیم قرار داشت، از بین برد. یوشیا مکانهای بلندی را که بر کوه زیتون قرار داشت و محل پرستش تمثال برهنه زنی بنام عشتاروت و سایر خدایان باروری کنعان بود، نابود ساخت. یوشیا پس از نابود ساختن تمام بت‌های مملکت جنوبی یهودا، تمام بت‌هایی را نیز که در سرزمینی قرار داشت که زمانی پادشاهی شمالی اسرائیل بود یکی نابود ساخت. او این کار را با نابود ساختن و نجس نمودن قربانگاه بزرگ اسرائیل در بیت‌نیل آغاز نمود، یعنی درست همانطور که یکی از انبیا در حدود سیصد سال قبل، در زمان یربعام پادشاه پیشگویی کرده بود (اول پادشاهان ۱۳: ۵). یوشیا معابدی را که در شهرهای سامره بر مکانهای بلند قرار داشت نابود کرد، و کاهنان بت‌پرست این مکانهای بلند را روی قربانگاه‌های خودشان کشت و اجسادشان را نجس ساخت.

**مرحله سوم:** در سال ۶۲۲ قبل از میلاد وقتی یوشیا ۲۴ ساله بود (۶۲۲ قبل از میلاد)، کتاب شریعت در جریان بازسازی خانه خداوند در اورشلیم مجدداً پیدا شد. این کتاب احتمالاً در دوران افول مذهبی که بهنگام سلطنت منسی پادشاه حکمفرما

گردید، گم شده بود. قرائت کتاب شریعت باعث گردید که یوشیا خود را در برابر خداوند فروتن سازد. او از یک سو، بت‌پرستی را در ملاء عام ممنوع ساخت و تمام مظاهر بیرونی آن را ریشه‌کن نمود. او برحسب آنچه در شریعت عهدعتیق آمده بود، تمام جادوگران و کسانی را که به احضار ارواح می‌پرداختند کشت و تمام بت‌ها و رجاسات شرم‌آوری را که هنوز در آن سرزمین یافت می‌شد، از بین برد. و از سوی دیگر، رسماً مقرر داشت که خداوند بار دیگر در هیکل پرستش شود. پیش از یوشیا، هیچ پادشاه دیگری اینگونه با تمامی دل و جان و فکر و قدرت خود مطابق آنچه در شریعت موسی نوشته شده بود بسوی خداوند بازگشت ننموده بود، و پس از او نیز هیچ پادشاهی چنین نکرد.

#### دوره دوم نبوت ارمیا: از ۶۲۲ تا ۶۰۸ قبل از میلاد

فصلهای ۴ تا ۱۰ از کتاب ارمیا کمابیش به دوره دوم نبوت‌های ارمیا مربوط می‌شوند. (در سالهای ۶۲۲ تا ۶۰۹ قبل از میلاد، فصل ۴: ۳ تا ۶: ۳۰، ۷: ۲۱ - ۲۹، ۸: ۴ تا ۹: ۲۶، ۱۰: ۱۷ - ۲۵؛ در سال ۶۰۸ قبل از میلاد، فصل ۲۲: ۱۰ - ۱۲).

این قسمت‌ها را در کنار تاریخ یوشیای پادشاه پس از اصلاحاتی که او و نیز یهوآحاز پادشاه انجام دادند، مطالعه فرمایید. تاریخ یوشیای پادشاه پس از اصلاحاتی که انجام داد: اصلاحات یوشیا سبب شد آداب نیایشی مردم یهودا از بیرون عوض شود، اما نتوانست در طبیعت پلیدی درون مردم تغییری بوجود آورد. به همین جهت، نبوت‌های ارمیا متوجه تمام دیگر مظاهر شرارت و پلیدی مردم بود. اگرچه بت‌پرستی در ملاء عام ریشه‌کن شده بود، اما دل‌های مردم هنوز از خدا دور بود. ارمیا برضد زنا و فحشا (۵: ۷ - ۸؛ ۹: ۲)، فریب و ناعدالتی (۵: ۲۶ - ۲۸)، ظلم و خشونت (۶: ۶ - ۷)، طمع (۶: ۱۳؛ ۸: ۱۰)، عدم تمایل به توبه (۸: ۴ - ۶)، ناآگاهی از فرامین خدا (۸: ۷)، و سرسختی و سماجت در شرارت (۹: ۳) موعظه می‌کرد. در اواخر دوران سلطنت یوشیا، امپراتوری آشور سقوط کرد و امپراتوری بابل جایگزین آن شد. در حالی که امپراتوری آشور روز به روز ضعیف‌تر می‌شد، نکوی دوم، پادشاه مصر در صدد برآمد بار دیگر ادعای مصر را بر سواحل سوریه و فلسطین مطرح سازد. اما بابل نواحی غربی امپراتوری آشور را پس از نابودی آشور و نینوا تصاحب کرده بود، و از این رو درگیری بین مصر و بابل امری اجتناب‌ناپذیر بود. ارتش مصر در سال ۶۰۸ قبل از میلاد به سوی کارکمیش در شمال حرکت کرد تا در برابر قشون بابل به ارتش آشور کمک کند، اما یوشیا در مجدو به مصاف مصریان رفت و موفق شد موقتاً جلوی پیشروی آنها را بگیرد. احتمالاً قصد یوشیا این بود که سرزمینی را که زمانی مملکت شمالی اسرائیل بود بار دیگر با سرزمین جنوبی یهودا متحد سازد، و فعالیت‌های نکوی پادشاه مصر را تهدیدی برای این پادشاهی گسترش‌یافته خود می‌دید. اما در جریان این جنگ که در سال ۶۰۸ قبل از میلاد در مجدو در گرفت، یوشیا، خداترین پادشاه یهودا، کشته شد.

تاریخ یهوآحاز پادشاه: یهوآحاز پادشاه تنها در سال ۶۰۸ سلطنت کرد و حکومتش سه ماه بیشتر دوام نیافت. نکوی دوم پادشاه مصر در بازگشت از کارکمیش، او را برکنار کرده، با خود به ربله برد و مدتی بعد او را به مصر تبعید کرد. یهوآحاز کمی بعد در مصر درگذشت.

#### دوره سوم نبوت ارمیا: از ۶۰۸ تا ۵۹۷ قبل از میلاد

فصلهای ۷، ۱۱ تا ۲۳، ۲۵ - ۲۶، ۳۵ - ۳۶، و ۴۵ - ۴۶ از کتاب ارمیا کمابیش به دوره سوم نبوت‌های ارمیا مربوط می‌شوند. (در سالهای ۶۰۸ تا ۶۰۵ قبل از میلاد، فصل ۷: ۱ - ۱۵، ۲۶: ۱ - ۲۴، ۱۱: ۶ - ۱۷، ۱۲: ۱ - ۶، ۱۳: ۱ - ۲۸؛ در سال ۶۰۵ قبل از میلاد، فصل ۲۵: ۱ - ۳۸، ۳۶: ۱ - ۸، ۴۵: ۱ - ۵، ۳۶: ۹ - ۳۲؛ در سال ۶۰۵ تا ۶۰۱ قبل از میلاد، فصل ۳۵: ۱ - ۱۹؛ در سال ۶۰۱ قبل از میلاد، فصل ۱۲: ۷ - ۱۷؛ در سال ۵۹۸ قبل از میلاد، فصل ۱۳: ۱ - ۱۴، ۲۱: ۱۱ تا ۲۲: ۹، ۲۲: ۱۳ - ۱۹؛ در سال ۵۹۷ قبل از میلاد، فصل ۱۳: ۱۵ - ۲۷، ۱۴: ۱ تا ۱۶: ۲۱، ۱۷: ۱ - ۲۷، ۱۸: ۲۰ تا ۲۲: ۲۰ - ۲۷، ۲۲: ۲۸ - ۳۰، ۲۳: ۱ - ۸).

این قسمت‌ها را در کنار تاریخ یهوایقیم و یهوایکین پادشاه مطالعه فرمایید.

اول: تاریخ یهوایقیم پادشاه بعنوان دست‌نشانده نکوی دوم پادشاه مصر: یهوایقیم از ۶۰۸ تا ۵۹۸ قبل از میلاد سلطنت کرد. او پسر یوشیا و برادر بزرگ یهوآحاز بود. نکوی دوم پادشاه مصر در بازگشت از کارکمیش، او را به سلطنت گماشت و نام او را از الیاقیم به یهوایقیم تغییر داد تا نشان دهد که او دست‌نشانده و فرمانبردار مصر است. یهوایقیم از قوم خود مالیات‌های سنگینی گرفت تا باج و خراجی را که مصر از او خواسته بود بپردازد. او نیز همچون پدران خود (آمون و منسی) در نظر خداوند شرارت ورزید. در دوران حکومت او، اصلاحات یوشیا به فراموشی سپرده شد و مردم بزودی دوباره به پرستش بت‌ها بازگشتند. ارمیا و حبقوق نبی هر دو برضد این افول مذهبی و سرکشی در برابر خدا نبوت کردند. یهوایقیم پادشاه همچنین خون بیگناهان بسیاری را ریخت، که یکی از آنان اوریای نبی بود (دوم پادشاهان ۲۴: ۴، ارمیا ۲۶: ۲۰ - ۲۳). نبوکدنصر پادشاه بابل در مدت حکومت او دو بار به مملکت یهودا حمله کرد.

دوم: تاریخ حمله اول نبوکدنصر پادشاه به یهودا در سال ۶۰۵ قبل از میلاد: نبوکدنصر، پادشاه بابل و فرمانده کل ارتش بابل بود. او در چهارمین سال سلطنت یهوایقیم، در سال ۶۰۶ قبل از میلاد، در ناحیه فوقانی رود فرات با مصریان جنگید (۴۶: ۲). نبوکدنصر بین ماه مه تا ژوئن سال ۶۰۵ قبل از میلاد علیه شهر کارکمیش دست به حمله‌ای غافلگیرانه زد و شهر را غارت کرده، قشون نکوی دوم پادشاه مصر را بکلی نابود نمود.

نبوکدنصر سپس بین جولای تا آگوست سال ۶۰۵ قبل از میلاد، سوریه و فلسطین را تا مرز مصر فتح نمود (تاریخ یوسیفسوس، فصل ۶). آنگاه اورشلیم را محاصره کرد و یهوایقیم را که تا آن زمان دست‌نشانده نکوی دوم پادشاه مصر بود، اسیر ساخت. نبوکدنصر احتمالاً یهوایقیم را با غل و زنجیر به بابل فرستاد تا مطمئن شود که یهودا از این پس به بابل وفادار خواهد ماند. او همچنین برخی از ظروف خانه خداوند و چندین اسیر را که دانیال نبی و دوستانش نیز جزو آنها بودند، با خود به بابل برد.

(دانیال ۱: ۱-۳). با اینحال احتمالاً یهوایقیم مدت کوتاهی بعد دوباره به اورشلیم بازگشت و سلطنت خود را از سر گرفت (دوم پادشاهان ۲۴: ۱؛ دوم تواریخ ۳۶: ۶).

نیبولاسار پادشاه، پدر نبوکدنصر، در آگوست سال ۶۰۵ قبل از میلاد درگذشت. نبوکدنصر وقتی این خبر را شنید هنوز در فلسطین بود، بنابراین بیابان را پشت سر گذاشته، بسرعت به سوی بابل تاخت تا رسماً در ماه سپتامبر سال ۶۰۵ قبل از میلاد بعنوان پادشاه بابل تاجگذاری شود. نبوکدنصر تقریباً تا سپتامبر سال ۵۶۲ قبل از میلاد سلطنت کرد.

**سوم.** تاریخ یهوایقیم پادشاه بعنوان دست‌نشانده نبوکدنصر پادشاه بابل: بر اساس فصل ۳۶ کتاب ارمیا (آیات ۱ تا ۷)، در سال چهارم سلطنت یهوایقیم (۶۰۵ قبل از میلاد)، خداوند به ارمیا دستور داد اولین طومار خود را بنویسد. اما وقتی چند ماه بعد، طومار ارمیا در حضور یهوایقیم پادشاه قرانت شد، او آن را پاره کرده، به درون آتش افکند. یهوایقیم به هیچ وجه باور نمی‌کرد که نبوکدنصر مطابق آنچه ارمیا در طومار خود پیشگویی کرده بود (۳۶: ۸-۳۲)، بیاید و سرزمین یکی از دست‌نشانده‌های وفادار خود یعنی یهودا را با خاک یکسان کند. یهوایقیم پادشاهی ظالم و طماع بود. او مردم را به بیگاری می‌گرفت و وادارشان می‌کرد برای او کاخ‌های گران‌بها بسازند (۲۲: ۱۳-۱۷).

شواهد و آثار خارج از کتابمقدس حاکی از آن است که بابلی‌ها در سال ۶۰۱ قبل از میلاد با مصریان جنگیدند و هر دو طرف متحمل تلفات سنگینی شدند. بابلی‌ها پس از آنکه کمابیش بطور کامل از مصریان شکست خوردند، در سرزمین خود ماندند تا مجدداً ارتش خود را سازماندهی کنند. یهوایقیم پادشاه احتمالاً با مشاهده ضعف بابل، علیه نبوکدنصر شورید و با نکوی دوم پادشاه مصر هم‌پیمان شد (دوم پادشاهان ۲۴: ۱). نبوکدنصر در ابتدا مداخله نکرد، بلکه تنها سربازان محلی بابل و اقوام همسایه یهودا را تحریک کرد تا علیه یهودا دست به حملاتی بزنند، و بدین ترتیب یهوایقیم را به اورشلیم محدود ساخت (دوم پادشاهان ۲۴: ۱-۲). اما پس از ۱۸ ماه، ارتش بابل دوباره سامان یافت و در سال ۵۹۹ قبل از میلاد به طایفه عرب قیدار و اعراب ساکن شرق اردن حمله کرد (۴۹: ۲۸-۳۳). نبوکدنصر در سال ۵۹۸ قبل از میلاد برای بار دوم به یهودا حمله کرد. یهوایقیم پادشاه در جریان این محاصره اورشلیم، در ماه دسامبر سال ۵۹۸ قبل از میلاد درگذشت. او ۳ ماه و ۱۰ روز قبل از سقوط اورشلیم مرد (دوم تواریخ ۳۶: ۹). ارمیا، پیشتر پیشگویی کرده بود که یهوایقیم "مانند یک الاغ دفن خواهد شد" (۲۲: ۱۸-۱۹)، و بر اساس نوشته‌های یوسیفوس وقایع‌نگار، جنازه او را بیرون دیوارهای شهر انداختند.

**چهارم.** تاریخ یهوایکین پادشاه: یهوایکین تنها در سال ۵۹۷ قبل از میلاد حکومت کرد. ارمیا پیشتر پایان حکومت او و نیز خاندان او را پیشگویی کرده بود (۲۲: ۲۴-۳۰). حکومت او تنها سه ماه و ۱۰ روز بطول انجامید (دوم تواریخ ۳۶: ۹). او نیز همچون پدرش، آنچه را که در نظر خداوند ناپسند بود انجام داد.

**پنجم.** تاریخ حمله دوم نبوکدنصر پادشاه به یهودا از سال ۵۹۸ تا ۵۹۷ قبل از میلاد: این حمله که در سال ۵۹۸ قبل از میلاد در زمان سلطنت یهوایقیم پادشاه آغاز شده بود، در سال ۵۹۷ قبل از میلاد بهنگام سلطنت یهوایکین به پایان رسید. نبوکدنصر اورشلیم را در ماه مارس سال ۵۹۷ قبل از میلاد تسخیر کرد. یهوایکین پادشاه به اتفاق مادرش، غلامان و کنیزانش، و نیز فرماندهان و رؤسای اورشلیم به استقبال پادشاه بابل شتافتند. احتمالاً بخاطر همین تسلیم شدن یهوایکین بود که نبوکدنصر از نابودی شهر صرف‌نظر کرد. اما او ظروف خانه خدا را به بل‌مردوک در بابل منتقل کرد (دوم پادشاهان ۲۴: ۱۳؛ عزرا ۶: ۵) و این افراد را به تبعید فرستاد: یهوایکین پادشاه، مادر پادشاه، همسران پادشاه، فرماندهان و مقامات مملکتی (که همگی جزو اشراف‌زادگان و درباریان یهوایکین بودند)، رؤسای ارتش و قریب به هفت هزار سرباز جنگی، در حدود هزار نفر از صنعتگران و آهنگران ماهر که همگی مردانی قوی و مناسب رزم بودند، و نیز ده هزار نفر را بعنوان اسیر. نبوکدنصر فقیرترین مردم اورشلیم را در این شهر باقی گذاشت.

**ششم.** تاریخ آزادی یهوایکین پادشاه از زندان در سال ۵۶۱ قبل از میلاد: دوم پادشاهان فصل ۲۵ و ارمیا فصل ۵۲ تقریباً عیناً مانند هم هستند و توسط فردی گمنام در بابل نوشته شدند. در ماه مارس سال ۵۶۱ قبل از میلاد، اوایل مردوک پادشاه بابل که پس از نبوکدنصر جانشین او شد، یهوایکین را از زندان آزاد کرد و با او خوش‌رفتاری کرده، مقام او را از تمام دیگر پادشاهانی که در دربارش بودند بالاتر قرار داد.

#### **دوره چهارم نبوت ارمیا: از ۵۹۷ تا ۵۸۶ قبل از میلاد**

فصلهای ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۴۹ و ۵۲ از کتاب ارمیا کمابیش به دوره چهارم نبوت‌های ارمیا مربوط می‌شوند.

(در سال ۵۹۷ قبل از میلاد، فصل ۲۳: ۹-۴۰، ۲۴: ۱-۱۰، ۲۹: ۱-۳۲، ۴۹: ۳۴-۳۹؛ در سال ۵۹۴ قبل از میلاد، فصل ۲۷: ۱ تا ۲۸: ۱۷، ۵۱: ۵۹-۶۴؛ در سالهای ۵۸۸ تا ۵۸۷ قبل از میلاد، فصل ۲۱: ۱-۱۰، ۳۴: ۱-۲۲، ۳۷: ۱-۲۱، هنگامی که نبوکدنصر موقتاً دست از محاصره اورشلیم برداشت، ۳۸: ۱-۲۸، ۳۹: ۱-۱۴، ۳۲: ۱-۴۴، ۳۳: ۱-۲۶، ۳۰: ۱-۲۴، ۳۱: ۱-۴۰، ۳۹: ۱۵-۱۸، ۵۲: ۴-۳۰، ۴۰: ۱-۶).

این قسمت‌ها را در کنار تاریخ صدقیای پادشاه مطالعه فرمایید.

**اول.** تاریخ صدقیای پادشاه بعنوان دست‌نشانده نبوکدنصر پادشاه بابل: صدقیای از ۵۹۷ تا ۵۸۷ قبل از میلاد سلطنت کرد. نبوکدنصر پس از آنکه یهوایکین را از سلطنت خلع کرد و او را به بابل تبعید نمود، صدقیای را به پادشاهی یهودا گماشت و اسم او را از متنبیا به صدقیای تغییر داد تا نشان دهد که او دست‌نشانده و فرمانبردار بابل است. ظاهراً هم ارمیا و هم حزقیال نبی، یهوایکین را آخرین پادشاه مشروع یهودا می‌دانستند (ارمیا ۲۲: ۳۰، حزقیال ۱۷: ۱۱-۱۴). صدقیای بر فقیرترین کسانی که در یهودا باقی مانده بودند سلطنت می‌کرد، و از بین این افراد، رؤسا و فرماندهان و انبیای کاذب جدیدی ظهور کردند. این عده در نظر خداوند "مانند انجیر گندیده‌ای بودند که قابل خوردن نیست و باید دور ریخته شود." (۲۹: ۱۶-۱۹؛ ۲۴).

نبوکدنصر در سال ۵۹۶ قبل از میلاد با سپاهیان عیلام جنگید (۴۹: ۳۴)، و در سال ۵۹۵ قبل از میلاد شورش را در خود بابل فرونشاند. بدین ترتیب نبوکدنصر بار دیگر سرگرم مسائل داخلی خود بابل شد. به همین جهت، در چهارمین سال سلطنت صدقیا، یعنی در سال ۵۹۴ قبل از میلاد، فرستادگانی از اقوام مجاور، یعنی از ادومی‌ها، موآبی‌ها، عمونی‌ها، صور و صیدون به اورشلیم نزد صدقیا رفتند تا احتمالاً در مورد امکان شورش علیه نبوکدنصر مذاکره کنند. در فصلهای ۲۷ و ۲۸ کتاب ارمیا می‌خوانیم که ارمیا به شدت در مورد این انببای کاذب که می‌کوشیدند احساسات ملی‌گرایانه مردم را تحریک کنند و آنان را به طغیان علیه نبوکدنصر وادارند، هشدار می‌دهد. صدقیا احتمالاً برای خاتمه دادن به شایعاتی که در مورد احتمال شورش علیه نبوکدنصر انتشار یافته بود و نیز جهت فرونشاندن سوءظن نبوکدنصر، رهسپار بابل شد (۵۱: ۵۹). با اینحال صدقیا سرانجام پیمانی را که با نبوکدنصر بسته بود شکست و نمایندگانی را نزد حفره پادشاه مصر فرستاد و از او درخواست یاری کرد (دوم پادشاهان ۲۴: ۲۰؛ ارمیا ۵۲: ۳؛ حزقیال ۱۷: ۱۵ - ۲۱).

**دوم.** تاریخ حمله سوم نبوکدنصر پادشاه به یهودا از سال ۵۸۸ تا ۵۸۶ قبل از میلاد: نبوکدنصر از هفدهمین تا نوزدهمین سال سلطنت خود، به سمت غرب حمله‌ور شد. او از رابله که مقر فرماندهی او بود، محاصره اورشلیم را رهبری نمود. این محاصره در سال ۵۸۸ قبل از میلاد آغاز شد. حُفرا، پادشاه مصر سپاهیان خود را به اورشلیم فرستاد تا از صدقیا در شورش که برضد نبوکدنصر آغاز کرده بود حمایت کند. اما وقتی نبوکدنصر موقتاً دست از محاصره اورشلیم برداشت تا به مصاف ارتش مصر رود، حُفرا، پادشاه مصر شتابزده به مصر بازگشت و اورشلیم را وا گذاشت تا به دست نبوکدنصر ویران شود. اورشلیم در ماه جولای سال ۵۸۷ قبل از میلاد سقوط کرد. صدقیا و مردان جنگی همراهش شبانه گریختند، اما صدقیا در بیابان اریحا دستگیر شد و سربازانش پراکنده گشتند. صدقیا دست‌بسته به ربله واقع در سرزمین حمات برده شد. در آنجا، نبوکدنصر پسران صدقیا و شاهزادگان یهودا را در برابر چشمان صدقیا کشت و سپس چشمان او را از کاسه درآورده، وی را در غل و زنجیر به بابل تبعید کرد. صدقیا تا زمان مرگ خود در بابل زندانی بود.

اورشلیم در آگوست سال ۵۸۶ قبل از میلاد نابود شد و اهالی‌اش به تبعید فرستاده شدند. نبوزرادان، فرمانده لشکر نبوکدنصر وارد اورشلیم شد و خانه خدا، کاخ پادشاه و تمامی خانه‌های اورشلیم را به آتش کشید. سپاهیان نیز دیوارهای اورشلیم را خراب کردند. نبوزرادان این افراد را به تبعید فرستاد: کسانی را که از یهودا گریخته و در جریان محاصره اورشلیم به بابلیان پیوسته بودند، مابقی هنرمندان، و مابقی کسانی را که از محاصره جان سالم بدر برده بودند. اما او برخی از فقیرترین مردم یهودا را در همان سرزمین باقی گذارد تا کشاورزی و باغبانی کنند (۵۲: ۱۲ - ۱۶). او همچنین تمامی اشیاء قیمتی خانه خدا را با خود به بابل برد (۵۲: ۱۷ - ۲۳).

#### **دوره پنجم نبوت ارمیا: از ۵۸۶ تا ۵۶۸ قبل از میلاد**

فصلهای ۴۰ تا ۴۴ از کتاب ارمیا کمابیش به دوره پنجم نبوت‌های ارمیا مربوط می‌شوند. (در سالهای ۵۸۷ تا ۵۶۸ قبل از میلاد، فصل ۵۲: ۱-۳، ۴۰: ۷-۱۶، ۴۱: ۱-۱۸، ۴۲: ۱-۴۳، ۴۴: ۱-۳۰. در سال ۵۸۶ قبل از میلاد، فصل ۵۲: ۳۱ - ۳۴، مرگ آخرین پادشاه مشروع یهودا).

این قسمت‌ها را در کنار تاریخ یهودیان پس از سقوط اورشلیم در سال ۵۸۷ قبل از میلاد مطالعه فرمایید. تاریخ یهودیان پس از سقوط اورشلیم: نبوکدنصر پادشاه، جدلیا را به حکومت بر یهودا گماشت، اما او مدت کوتاهی بعد به قتل رسید. مابقی یهودائیان، یا یهودیان، از ترس اینکه مبادا نبوکدنصر بیاید و مجازاتشان کند، به مصر گریختند. آنها حتی ارمیای نبی را نیز به‌زور با خود بردند. نبوکدنصر پادشاه در سال ۵۶۸ قبل از میلاد به مصر حمله کرد و بیشتر مناطق آن را ویران نمود. او همچنین برخی از یهودیان ساکن مصر را بعنوان اسیر به بابل برد.

#### **تکلیف برای هفته آینده**

**اول.** در طول هفته آینده، ارمیا فصلهای ۲۷ الی ۵۲ را بخوانید. هفته آینده، به معرفی کتاب ارمیا- بخش دوم، خواهیم پرداخت.

**دوم.** کتابهای دستورعمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم ....

**سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید .